



از ایده تا برنامه: یک حزب چگونه فکر می‌کند

تحریریه پیشرو ۶ شهریور ۱۴۰۵

ایده‌های خوب کم نیستند. آنچه کم است، مسیری است که یک ایده را به تصمیمی قابل اجرا تبدیل کند؛ تصمیمی که بشود درباره آن پاسخ‌گو بود. همین مسیر است که یک حزب را از یک محفل فکری جدا می‌کند.

چهار گام

گام اول، صورت‌بندی مسئله است: دقیقاً چه چیزی کار نمی‌کند، برای چه کسانی، و از کی. مسئله‌ای که مبهم بیان شود، هر پاسخی را می‌پذیرد و هیچ پاسخی را رد نمی‌کند.

گام دوم، گزینه‌هاست. معمولاً بیش از یک راه وجود دارد و هر راه برنده و بازنده‌ای دارد. حزبی که فقط یک گزینه را روی میز می‌گذارد، یا کار را نکرده یا بخشی از واقعیت را پنهان کرده است.

گام سوم، بهاست. هر گزینه هزینه دارد: مالی، سیاسی، زمانی. نوشتن این هزینه‌ها کار ناخوشایندی است، چون وعده را کم‌جاذبه‌تر می‌کند، اما تنها راه جدی‌بودن است.

گام چهارم، سنجه است: از کجا بفهمیم کار کرده یا نه، و در چه بازه‌ای. بدون سنجه، هیچ برنامه‌ای شکست نمی‌خورد؛ فقط ادامه پیدا می‌کند.

چرا این کار را عمومی انجام می‌دهیم

می‌شد این چهار گام را در اتاق‌های بسته برداشت و فقط نتیجه را منتشر کرد. ما راه دیگری را انتخاب کرده‌ایم: متن‌ها منتشر می‌شوند تا نقد شوند، و نسخه‌ها با تاریخ ثبت می‌شوند تا بتوان دید چه چیزی عوض شده و چرا.

این روش کندتر است و خطاها را آشکار می‌کند. اما حزبی که پیش از رسیدن به قدرت پاسخ‌گو نباشد، بعد از آن هم نخواهد بود.